



وصف طبیعت در پرتو اشعار کساجم

محمد صالح شریف عسکری^۱، اشرف پرنوش^۲

^۱دانشیار رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه خوارزمی Sharif. askari@khu.ac.ir

^۲دانشجوی دکتری دانشگاه خوارزمی Ashraf.parnoosh@yahoo.com

چکیده

فنّ وصف یکی از بزرگترین اغراض شعری در ادبیات عربی است و «طبیعت» در میان این فنّ شعری از اهمیت والایی برخوردار بوده است؛ چرا که طبیعت دارای تأثیری شگرف بر روح و جان شعراء بوده است، بنابراین آنها در خلال اشعار خود به بیان احساسات خویش در میان این مظاهر طبیعت می پرداخته اند. با دگرگونی و تحول در زندگی اجتماعی و فردی جامعه عربی-اسلامی و ورود آن‌ها به شهرها و صف بیشتر منحصر به مظاهر زیبایی‌های طبیعت گردید. شعر طبیعت در ادبیات عصر عباسی اهمیت والایی دارد و از شعرای بزرگ این فنّ شعری در این دوره می توان به «کساجم» اشاره کرد. وی وصف را به عنوان ابزاری برای تصویرپردازی‌های خود برگزید. توانایی و نوآوری او در این فنّ شعری وی را بر دیگر شاعران عربی در زمینه وصف برتری داده است. در این مقاله سعی بر این است که به شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی وصف طبیعت و موضوعاتی که شاعر در میان اشعار خود بدان اختصاص داده بپردازد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که وصف زیبایی‌های طبیعت در شعر او جایگاه ویژه‌ای دارد. وی در وصف طبیعت عواطفش را به زیبایی به تصویر می کشد. وی در به تصویر کشیدن این زیبایی‌ها بیشتر از تشبیه و تشخیص استفاده می کند به طوری که تخیلات شاعرانه‌اش به شکل تصاویری زیبا تجسم یافته است و به طبیعت روح انسانی بخشیده است.

کلیدواژه: وصف، عصر عباسی، شعر طبیعت، کساجم

۱. مقدمه

فنّ وصف یکی از بارزترین غرض‌های شعری در ادبیات است که به عنصر خیال وابسته است و از دیرباز در تصویرپردازی‌های شاعران خودنمایی کرده است. موضوع وصف آنگاه که وصف طبیعت باشد، ترسیم تابلویی از زیبایی‌هاست. ادبیات عربی از آغاز تا امروز شاهد وصف پدیده‌های طبیعی بوده است. در عصر جاهلی شاعران با نگاهی سطحی و با دید حسی به طبیعت می نگریستند که کمتر دارای عاطفه و خیال بود و بیشتر به توصیف بادیه و حیواناتی نظیر گرگ و شتر معطوف بود تا این که در دوره عباسی با تغییر محیط عرب‌ها از بادیه به شهر نگاه شاعران بعد عمیق تری به خود گرفت و دیگر یک نگاه سطحی و گذرا نبود. در میان شاعران دوره عباسی، کساجم این فن را در تصویرپردازی‌های خود به کار گرفته است، به طوری که طبیعت

و توصیف عناصر آن با تمام ویژگی‌های آن در دیوان اشعارش دیده می شود. شاعر با بهره‌گیری از واژگان لطیف و به کارگیری صور خیال به توصیف طبیعت پرداخته است. تصاویری که کساجم در اشعار خود از طبیعت ارائه می دهد بیانگر شخصیت باطنی اوست، او طبیعت را سرشار از پویایی و حیات می یابد و زیباترین آثار خویش را با الهام از آن عرضه می کند. وی به سبب سفرهای بسیاری که به مصر و شام و حلب داشت دیدن زیبایی‌های این منطقه روح و احساس آن را جلا داد تا آن جا که این زیبایی‌ها را در شعر خود وارد کرد و همواره تغنی گر زیبایی‌های طبیعت بود و دیوانش سرشار از اوصاف طبیعت شد.

این پژوهش تلاش می کند به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

(۱) وصف طبیعت در شعر کساجم چه جایگاهی دارد؟

(۲) ویژگی‌های شعر کساجم در زمینه وصف طبیعت چه بوده است؟

(۳) کساجم وصف طبیعت را به چه شیوه‌ای بیان نموده است؟

فرضیه‌های این پژوهش عبارتند از:

(۱) وصف طبیعت یکی از مهم ترین موضوعات شعری در دیوان کساجم بوده است و اشعار بسیاری را به آن اختصاص داده است.

(۲) در اشعاری که شاعر درباره طبیعت سروده است وحدت خاصی وجود دارد و کوشیده است تمام عناصر طبیعت را در اشعار خود به تصویر بکشد.

(۳) شاعر از صنایع لفظی مانند تشبیه و استعاره و مجاز ... برای به تصویر کشیدن موضوعات شعری خود درباره طبیعت کمک گرفته است.

۲. پیشینه پژوهش

درباره وصف طبیعت در دیوان کساجم تحقیقات اندکی صورت گرفته است و تاکنون هیچ مقاله مستقلی در این زمینه نگاشته نشده است. اما یک فصل از کتاب «رؤی فنیّة قراءات فی الأدب العباسی» از صالح الشتیوی به بررسی وصف طبیعت در شعر کساجم پرداخته است. نویسندگان در این مقاله می کوشند به شیوه توصیفی - تحلیلی تصویر جامع و کاملی از وصف طبیعت در شعر این شاعر دوره عباسی ارائه دهند.

۳. وصف در لغت و اصطلاح

وصف از نظر لغوی به معنای «کشف و اظهار» است که در فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌ها معانی و تعابیر مختلفی آمده است که همگی آن‌ها به این معنا اشاره دارند؛ چنانکه در قاموس المحيط آمده است: «وصف الشی، وصفاً وصفه ای نعت». [۱] و وصف نزد برخی دیگر به معنی «زیور و زینت دادن» آمده است. [۲] در فرهنگ عمید درباره